

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان :

تبیین بنیان‌های علمی علوم قرآنی بر مبنای امامیه

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین اعرابی

استاد مشاور:

دکتر سید رضا مودب

نگارنده:

علی‌رضا اخوان صراف

بهار ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

۱۰۶۰۶۰

تاریخ: ۸۷ / ۴ / ۴

بیت

شماره: ۱۱۱۶۶

بیوست:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم



«صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد»

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه آقای: علیرضا افخوان صراف

رشته: علوم قرآن و حدیث

تحت عنوان: «تبیین بنیانهای علمی علوم قرآنی بر مبنای امامیه»

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۴-۴-۸۷ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد

۱۸/۵۰ با مروف: هیجده و پنجاه صد

با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مقام علمی	امضاء
غلاممسین اعرابی	استاد راهنما	استادیار	
سید رضا مودب	استاد مشاور	دانشیار	
محمد جواد نجفی	استاد ناظر	استادیار	
محمد تقی دیاری	استاد ناظر	استادیار	
محمد کاظم شاکر	نماینده کمیته تمصیلات تکمیلی	دانشیار	

مدیر امور آموزش و تمصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

معاونت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

معاونت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

تقدیم :

به استادام

فقیه اهل البیت آیت الله محمد هادی معرفت (رحمه الله علیه)
که این تحقیق برای او و به نام او شروع شد

اما به ناگاه روح بلندش

در پرتو علم مولایش امیرمؤمنان علیه السلام آسود

و ما را در حسرت علم و سماعتش تنها گزارد.

و مادرم

که هر ستایشی روح بلند و سرشت آسمانیش را حقیر می کند؛
و هر چه کردم برای او بود اما ...

از سر شوق و بیقراری

جان نفیssh بیگاه بسوی حبیبش پرکشید

و جسم عزیزش در جوار مولایش امیرمؤمنان علیه السلام آرام گرفت.

تشکر و تقدیر:

نگارنده‌ی این پایان‌نامه بر خود فرض می‌داند از بزرگواری که وی را در تمامی مراحل این تحقیق یاری داده‌اند به شرح زیر تشکر و قدردانی نماید:

آقای دکتر غلامحسین اعرابی، که با بزرگواری پذیرای مشکلات نگارنده بوده و وی را در اتمام این کار یاری نمودند.

خانم دکتر زهرا اخوان‌صراف که بدون یاری و مساعدت فکری ایشان انجام بخشی از تحقیق ممکن نمی‌بود.

همسر و فرزندانم که با همیاری و بردباری در طی مراحل تحصیل، همچنین نگارش این پایان‌نامه، همراه و یاور بوده‌اند.

چکیده:

پایان نامه‌ای که در پیش رو دارید با عرض ارادت به محضر خاندان عصمت و طهارت (ع)، برای بازنمود تعلق دانشی از علوم، مصطلح به علوم قرآنی، به این خاندان است؛ زیرا که برخی از همان آغاز تا سده های اخیر با جعل و وضع، انتساب این علوم را به این خاندان نفی کرده دیگرانی را در این مقام نشانده‌اند؛ که باید راه رفته، بازگشته شود، مبادی، مقدمات و روش شناخت و فهم بازشناسی شده و مکتب نویی بنا نهاده شود.

افزون آنکه این مجموعه علم یا علوم مورد بی مهری حوزه های علمی شیعی نیز قرار گرفته است؛ هرچند که فقاقت و فقه جعفری بر معارف مستخرج از قرآن مجید بنا نهاده شده، تاکنون کمتر تالیف مستقلی در باب آراء و اندیشه های دانشمندان شیعی و به ویژه امامیه نگاشته شده است.

به عبارت بهتر هرچند که نظریات اصولی و نحوه تمسک به الفاظ و معانی قرآن از لابلای آثار علمای امامیه قابل دسترسی و استخراج است، اما تألیف مستقلی در این باب کمتر نگاشته شده است.

در این پایان نامه تلاش بر آن بوده که با بازشناسی منابع و مبادی این علم در آثار امامیه چه بدان تصریح شده باشد (مانند مقدمه تفاسیر) و چه به صورت مضمّر آمده باشد (کتابهای علم اصول و الهیات)، چگونگی برخورد با مجموعه‌ی این علوم بازشناسی شده، روش آنان شناسانده شود.

فهرست :

- ۲..... تاییدیه
- ۴..... تقدیم :
- ۵..... تشکر و تقدیر:
- ۶..... چکیده :
- ۷..... فهرست :
- ۱۰..... مقدمه :
- ۱۲..... فصل اول : کلیات.....
- ۱۲..... ۱-۱. معنا شناسی علوم قرآنی.....
- ۱۲..... ۱-۱-۱. تعریف.....
- ۱۳..... ۱-۱-۲. مبادی.....
- ۱۳..... ۱-۱-۳. مسائل.....
- ۱۵..... ۱-۱-۴. هدف.....
- ۱۵..... ۱-۱-۵. روش.....
- ۱۵..... ۱-۱-۶. علم القرآن و علوم القرآن.....
- ۱۷..... ۱-۱-۷. نظر معاصرین امامیه.....
- ۲۰..... ۱-۱-۸. نظر معاصرین عامه.....
- ۲۱..... ۱-۱-۹. تبیین.....
- ۲۱..... ۱-۱-۱۰. مبانی.....
- ۲۱..... ۱-۱-۱۱. امامیه.....
- ۲۲..... ۲-۱. درنگی در مفهوم علم القرآن.....
- ۲۲..... ۱-۲-۱. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم).....
- ۲۳..... ۲-۲-۱. امیرالمومنین(علیه السلام).....
- ۲۴..... ۳-۲-۱. امام باقر(علیه السلام).....
- ۲۷..... ۴-۲-۱. امام صادق(علیه السلام).....
- ۳۰..... ۵-۲-۱. امام رضا(علیه السلام).....
- ۳۱..... ۶-۲-۱. جمع بندی.....
- ۳۲..... ۳-۱. نحوه برخورد پیشینیان با علوم قرآنی.....
- ۳۳..... ۱-۳-۱. ابان بن تغلب بن رباح (م ۱۴۱ ه.ق).....
- ۳۳..... ۲-۳-۱. ابوحمزه الثمالی (م ۱۴۸ ه.ق).....
- ۳۵..... ۳-۳-۱. فرات ابن ابراهیم کوفی (م ح ۲۵۰ ه.ق).....
- ۳۷..... ۴-۳-۱. علی ابن ابراهیم قمی (م ح ۳۲۹ ه.ق).....
- ۵۲..... ۵-۳-۱. محمد بن مسعود العیاشی السلمی (م ح ۳۲۰ ه.ق).....

- ۵۶.....۶-۳-۱. شیخ کلینی (؟؟؟-۳۲۹ ه.ق).....
- ۵۷.....۷-۳-۱. شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ه.ق).....
- ۵۷.....۸-۳-۱. سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ه.ق).....
- ۵۷.....۹-۳-۱. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه.ق).....
- ۵۹.....۱۰-۳-۱. شیخ طبرسی (۴۸۸-؟ ۵۸۸ ه.ق).....
- ۶۲.....۱۱-۳-۱. قطب راوندی (؟؟؟-۵۷۳ ه.ق).....
- ۶۵.....۱۲-۳-۱. ابن شهر آشوب (؟ ۴۸۸-۵۸۸ ه.ق).....
- ۶۶.....۱۳-۳-۱. ملاصدرای شیرازی (۹۷۹-۱۰۵۰ ه.ق).....
- ۶۸.....۱۴-۳-۱. فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ ه.ق).....
- ۷۰.....۱۵-۳-۱. فاضل تونی (؟؟؟-۱۰۷۱ ه.ق).....
- ۷۲.....۱۶-۳-۱. شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ه.ق).....
- ۷۴..... فصل دوم : منابع علوم قرآنی نزد امامیه.....
- ۷۵..... ۱-۲. کتب روایی.....
- ۷۶..... ۱-۱-۲. محاسن برقی.....
- ۷۹..... ۲-۱-۲. احتجاج طهرسی.....
- ۸۱..... ۳-۱-۲. بصائر الدرجات.....
- ۸۸..... ۴-۱-۲. عیون اخبار الرضا.....
- ۹۳..... ۲-۲. تفاسیر امامیه.....
- ۹۴..... ۳-۲. کتب اصول فقه.....
- ۹۴..... ۱-۳-۲. تذکره‌ی شیخ مفید.....
- ۹۸..... ۲-۳-۲. الذریعه‌ی سید مرتضی.....
- ۱۰۴..... ۳-۳-۲. العده‌ی شیخ طوسی.....
- ۱۰۶..... فصل سوم: بنیان‌های صدور و دلالتی قرآن.....
- ۱۰۶..... ۱-۳. بنیان‌های صدور.....
- ۱۰۷..... ۱-۱-۳. اثبات صدور و نزول قرآن از جانب خداوند.....
- ۱۰۷..... متن قرآن.....
- ۱۰۸..... سخنان معصومین (ع).....
- ۱۰۸..... وجوه اعجاز قرآن.....
- ۱۰۹..... ۲-۱-۳. مصونیت وحی در کلیه مراحل تا تلقی به پیامبر اکرم (ص).....
- ۱۰۹..... مطالعه‌ی استواری وحی از راه محتوی.....
- ۱۰۹..... تحقق معنای نزول وحی.....
- ۱۱۰..... ۳-۱-۳. مصونیت پیامبر اکرم (ص) در کلیه مراحل وحی از تلقی تا ابلاغ.....
- ۱۱۱..... ۴-۱-۳. مصونیت قرآن از تحریف.....

۱۱۱ آیات قرآنی
۱۱۲ روایات
۱۱۲ تواتر قرآن
۱۱۳ اعجاز قرآن
۱۱۳ اجماع
۱۱۴ ۲-۳. بنیان‌های دلالتی قرآن
۱۱۴ ۱-۲-۳. اراده‌ی معنای خاص از الفاظ قرآن از جانب خداوند
۱۱۵ ۲-۲-۳. استفاده از طریقه‌ی عقلا در بیان مراد آیات
۱۱۷ ۳-۲-۳. وجود زمینه‌ی فهم معانی آیات
۱۱۸ ۴-۲-۳. جهان‌شمولی احکام الهی قرآن
۱۲۰ فصل چهارم : بررسی آثار مکتب عامه
۱۲۰ ۱-۴. البرهان
۱۲۱ ۲-۴. الاتقان
۱۲۵ ۳-۴. جمع بندی
۱۲۷ نتایج بحث و پیشنهادات :
۱۳۰ کتاب‌نامه
۱۳۵ چکیده‌ی انگلیسی
۱۳۶ عنوان انگلیسی

مقدمه :

پیریزی این پژوهش در زمان حیات آیت‌الله معرفت و تحت نظر ایشان برای بررسی و تکمیل روش برخورد کتاب التمهید با علوم قرآنی و درآستانه‌ی بیست سالگی پدید آمدن این اثر گرانسنگ انجام پذیرفت.

روش کار آنگونه که مورد نظر ایشان و استاد مشاور پایان‌نامه بود، بررسی نیازهای فعلی علوم قرآنی معاصر، روش کار معاصرین امامیه و ابوابی که توسط ایشان به این مجموعه‌ی علوم اضافه یا کاسته شده است، به عنوان معیار پژوهش و پس از آن نگرشی تاریخی به سیر پدیدآوری و پدیدآورندگان این علوم در میان علمای امامیه بود؛ تا مشخص گردد آیا سرفصل‌های جدیدی غیر از آنچه مورد نظر فعلی معاصرین است مورد نظر بوده یا خیر و آیا بدون تاثیرپذیری از علمای عامه و ابواب ورود به بحثی که توسط ایشان تعریف شده است، آیا می‌توان برای مکتب امامیه، مکتب علوم قرآنی خاصی را پیشنهاد نمود یا خیر.

با توجه به در دسترس نبودن کتابی غیر از التمهید با موضوع خاص علوم قرآنی، به معنای مصطلح در عصر حاضر، در دوران غیبت، روشی به شرح زیر پیشنهاد شد:

الف. تحقیق جامعی در میراث مکتوب امامیه به صورت موردی حول سه محور انجام پذیرد؛

کتاب روایی، اصول و خصایص و احتجاجات،

کتاب تفسیری و مقدمه‌ی آنها

کتاب علم اصول.

ب. در نهایت مجموعه‌ای از روایات مرتبط با موضوع فراهم آید.

ج. بازشناسی از اصحاب ائمه و علمای امامیه طی سده‌های بعد صورت گیرد تا آنانکه به نوعی به موضوع بحث فعلی علاقمند بوده یا روایتی نقل کرده یا اثری تالیف نموده‌اند شناسایی شوند.

د. به صورت موردی علاوه بر مبانی، روش‌های برخورد اندیشمندان پیشین نیز در صورت امکان بررسی شود.

بر اساس این روش پیشنهادی، پایان‌نامه‌ی حاضر فراهم آمده است:

در فصل اول کلیاتی مورد بحث قرار گرفته که از نظر نگارنده در ورود به بحث علوم قرآنی گریزی از آن نبوده است؛ برخی تعریف‌ها و سعی در ارائه‌ی تعریف جامعی از علوم قرآنی.

در این فصل به واژگان کلیدی علم القرآن و مفهوم آن و تفاوت آن با مفاهیم علوم قرآنی نیز پرداخته شده است.

سپس با بررسی احوال و آثار شانزده نفر از اصحاب ائمه و علمای امامیه، از ابان ابن تغلب تا شیخ حر عاملی، دیدگاه‌های آنان هم بررسی شده است.

در فصل دوم منابع علوم قرآنی نزد امامیه پرداخته شده و کتب مرتبط به صورت موردی کاویده شده‌اند. روش کار چنان است که با توجه به کتاب‌های سده‌های اخیر، منابع دست اول روایی در حول و حوش عصر غیبت نیز به دقت دیده شده اند تا روایتی یا شیوه‌ی نقلی از نظر دور نماند.

با توجه به روش کتب جامع حدیثی اخیر مانند وسائل الشیعه و بحار الانوار، سعی شده منابع این کتب در صورت در دسترس بودن دیده شود، بنابر این اکثر روایات از کتابهای محاسن برقی، احتجاج طبرسی، بصائر الدرجات و عیون اخبار الرضا نقل شده اند.

کتب اصول فقه پیشینیان نیز مانند تذکره‌ی شیخ مفید و الذریعه‌ی سید مرتضی هم بررسی شده‌اند. در فصل سوم به بنیان‌های صدوری و دلالتی قرآن نزد امامیه پرداخته شده تا مباحث مهم و چالش‌برانگیزی چون حجیت ظواهر کتاب و تحریف از نظر دور نماند.

در فصل چهارم با بررسی مختصری از آثار مکتب عامه سعی شده تا مقایسه‌ای روش‌مند صورت گیرد. در نهایت نیز نتایج تحقیق بررسی شده و پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

فصل اول : کلیات

بایسته است پیش از ورود به بحث، چند اصطلاح بنیادین به کاررفته در این متن بازنموده شود تا از سزدرگمی‌های آتی جلوگیری شده، راهگشای فهم بهتر باشد، افزون براین واژگان علوم قرآنی در کلمات معصومین و منظر گذشتگان نیز بررسی شده تا مقدمه‌ای برای ورود به فصل منابع باشد.

۱-۱. معنا شناسی علوم قرآنی

با توجه به تعریف هر علمی مطابق رئوس ثمانیه، برای علوم قرآنی نیز باید واژگان و معانی تعریف، مبادی، هدف و مسائل بازشناسی شود.

۱-۱-۱. تعریف

در یک تعریف جامع و مانع، می‌توان علوم قرآنی را مجموعه‌ی علوم مرتبط با قرآن دانست که به طور خاص، خادم فهم قرآنند. در نگرش دیگری با توجه به وابستگی این علم به علوم اسلامی نیز می‌توان چنین گفت:

علوم قرآنی بخشی از علوم اسلامی است و آن عبارت است از: مجموعه اصول و

قواعدی که فهم قرآن به آنها بستگی دارد

۱-۱-۲. مبادی

مقصود از مبادی در تعریف علم، آنگونه که در کتب مقدماتی منطق نیز آمده است، مجموعه‌ی آکسیوم‌ها^۱ یا اصول موضوعه‌ای است که پذیرفته می‌شود تا بتوان با توجه به آنها علم را تعریف نمود.

برای هر علمی مبادی تصویری و تصدیقیه مشخص می‌شود، در مورد علوم قرآنی نیز:

- پیش فرضهای تصویری؛ تعریف واژگان یا مفاهیم مرتبط یا اختراعی در این علم همراه با معنای وضعی یا اصطلاحی مورد نظر در آن علم را شامل می‌شود مانند آیه، سوره، نسخ، محکم، تفسیر و دیگر واژگان.
- پیش فرضهای تصدیقی؛ گزاره‌های منطقی قابل اثباتی هستند که می‌توان بدانها استناد جست و مسائل را بررسی کرد مانند معجزه بودن قرآن.

۱-۱-۳. مسائل

مسائل کلی علوم قرآنی نیز مواردی است که باید در این علم بحث شود و پاسخی برای صدق یا کذب بودن آنها یافته شود. مانند امکان، وقوع یا عدم وقوع تحریف در قرآن.

به عبارت بهتر، گزاره‌های مرتبط با هر علم به دو دسته تقسیم شده، گروهی به عنوان پیش فرضهای تصدیقی پذیرفته شده، به کمک این پذیرش، درستی گزاره های گروه دیگر را که مسائل آن علم نامیده می‌شود، بررسی می‌شود. اندک جابه‌جایی در گزاره‌های این دو گروه می‌تواند مسائل و روشهای یک علم را دچار تغییرات کلی نماید.

درنگی در این تعریف ساده و نحوه برخورد صاحبان ملل و نحل تمدن اسلامی با قرآن و شیوه‌ی مراجعه و استشهاد آنان به آیات کتاب الهی، راهگشای فهم بسیاری از تندروی‌ها، کجروی‌ها و مصادره به مطلوب‌هایی است که در طول تاریخ بر معانی این آیات روشن رفته است؛ چرا که این کتاب در عین روشنی، "ذلول ذو وجوه"^۲ است.

^۱. Axioms

^۲. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰ :

صاحبان مکاتب کلامی و تفسیری همواره نظرات خود را به آیات قرآنی مستدل دانسته و از آن شاهد آورده‌اند و در این استشهاد خود را محق و مستحق دانسته‌اند هرچند که نتایج این استشهادها منطقی متضاد باشد. نگاهی به نوشته‌های طرفداران مکتب جبر و مکتب اختیار و استدلالهای کلامی و قرآنی اشاعره و معتزله، بهترین صدق این مدعاست.

درنگی در رویکرد فرق مختلف اسلامی به فرهنگ قرآنی شاهد این مدعا است که در بسیاری از موارد حتی مبادی تصویری نیز مورد توافق فرق نیست؛ تأملی در تعریف واژگان ابتدایی علوم قرآنی مانند نسخ و اعجاز در طی سدگان ابتدایی تمدن اسلامی (وحتی زمان حاضر) و نزد مکاتب مختلف اسلامی بهترین نمونه به شمار می‌رود. ارائه‌ی نظریه‌ی نسخ مشروط در زمان حاضر را نیز می‌توان از این دست به شمار آورد.

نکته‌ی دیگر بدیهی نبودن مبادی تصدیقی در علوم قرآنی است؛ بعید است بتوان علوم قرآنی را به صورت مطلق و جدای از نحله‌ی فکری پژوهشگری که به آن می‌پردازد، بررسی کرد. دیدگاه دیگری که می‌توان بررسی نمود، نظرگاه تطور علوم قرآنی در بستر زمان و عقاید است. با این بیان هیچ پژوهشگری را نسزد که بدون توجه به این اصول و جدا کردن مبادی تصدیقیه از مسائل این علم، در این بحث وارد شود.

”وقد روی عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم أنه قال : القرآن ذلول ذو وجوه ، فاحملوه علی أحسن الوجوه“ نکته‌ی قابل تأمل در این روایت مشهور آن است که سند یا حتی متن آن در هیچ یک از کتب روایی مشهور شیعی به جز عوالی الثالی (ج ۴، ص ۱۰۴) نوشته‌ی ابن ابی جمهور الاحسانی (م حدود ۲۰۰ ه.ق)، آن هم به صورت مرسل، پیدا نشد. شیخ طبرسی نیز با ذکر عبارت ”وإنما أحذف أسانید أمثال هذه الأحادیث إیثاراً للتخفیف ، ولاشتهارها عند أصحاب الحدیث“، سند این روایت و چند روایت دیگر را نقل نمی‌کند. سلسله سند این روایت در اغلب کتب عامه، چون کنز العمال متقی هندی و دیگران قابل پی‌گیری است. البته مشابه این روایت به تعبیر دیگری در توصیه‌ی آن حضرت به ابن عباس هنگام محاجه با خوارج در نهج البلاغه آمده است: ”لا تخصمهم بالقرآن، فان القرآن حمال ذووجوه تقول و یقولون و لکن حاججهم بالسنه فانهم لن یجدوا عنها محیصاً“.

۱-۱-۴. هدف

همان‌گونه که از تعریف بر می‌آید، غایت علوم قرآنی کمک به فهم قرآن است. به عبارت دیگر علوم قرآنی مجموعه‌ای از پیش فهم هاست که به درک پدیده‌ای به نام قرآن کمک می‌کند.

۱-۱-۵. روش

درنگی در برداشت اهل بیت از علوم قرآنی، بیانگر این است که در مکتب اهل بیت، این علوم هم به روش ممتازند هم به مبادی و غایات. افزون بر این آنچه که در یک علم به عنوان مقدمات فهم یک پدیده بحث می‌گردد، باید از روشها نیز سخن گفته شود و رویه‌ها بحث گردد تا طالب فهم بداند کدام راه را باید طی کند.

۱-۱-۶. علم القرآن و علوم القرآن

در مورد علم القرآن و علوم قرآنی، بررسی متون تاریخی و روایات، بیانگر وضع و کاربرد ابتدایی اصطلاح علم القرآن از طرف معصومین و در مکتب اهل بیت است. این پایان نامه در بخش‌های آینده به طور مفصل‌تر به علم القرآن خواهد پرداخت.

بعدها (حدود دو تا سه قرن بعد) تلاش‌هایی برای ایجاد نگارش‌هایی و جمع‌آوری‌هایی در مکتب خلفا به نام علوم القرآن شده است. تبیین این که در آن روزگار مقصود از به کاربردن واژه‌ی علم چه بوده است و این که آیا واضعان این اصطلاح تا چه حد پایبند به علمی بودن (به مفهوم امروزی آن) روش و نگارش خویش بوده و تا چه حد به مکتب اهل بیت نظر داشته‌اند، کاری بسیار مشکل است. شاید اگر کتاب فنون الافنان بلقینی، به عنوان اولین اثر معیار، اکنون در دسترس ما می‌بود، آن‌گونه که در دسترس سیوطی بوده است، قضاوت ساده‌تر می‌بود.

بی تردید، درنگی در مقدمه کتاب البرهان به عنوان قدیم‌ترین اثری که در دسترس ماست می‌تواند راهگشا باشد؛ زرکشی در مقدمه کتاب خود، روش و مبادی علوم قرآنی را مشابه علوم حدیث دانسته و تدوین آن را دیرتر از علوم حدیثی می‌شمرد:

لما كانت علوم القرآن لا تحصى ومعانيه لا تستقصى وجبت العناية بالقدر الممكن ومما فات المتقدمين وضع كتاب يشتمل على أنواع علومه كما وضع الناس ذلك بالنسبة إلى علم الحديث فاستخرت الله تعالى وله الحمد في وضع كتاب في ذلك جامع ولما تكلم الناس في فنونه وخاضوا في نكته وعيونه وضمنته من المعاني الأنيقة والحكم الرشيقة ما بهر القلوب عجباً ليكون مفتاحاً لأبوابه عنواناً في كتابه معيناً للمفسر على حقائقه مطلعاً على بعض أسراره ودقائقه وسميته البرهان في علوم القرآن.^۳

دقت در این متن ما را به چند نکته رهنمون می سازد:

- وی نیز همانند اکثر نویسندگان در این موضوع ، آثار قبلی را ناکافی و ناقص می داند.
- روش برخورد وی با نحوه‌ی فهم و علوم قرآنی مانند علوم حدیثی است ؛ به عبارت بهتر، اگر این اثر را اثر معیار قرن هشتم در علوم قرآنی عامه بدانیم ، تا آن زمان جمع مدونی از علوم قرآنی صورت نگرفته بوده است و لذا است که زرکشی نگارش کتاب جامعی را برای علوم مرتبط با کتاب الله پیشنهاد می کند.
- به نظر می رسد استفاده از عبارات " فنون و نکات و عیون " به عنوان سرفصل های علوم قرآنی از نظر وی ، چیزی فراتر از زیبانویسی و بازی با کلمات باشد. شاید این نوعی تقسیم بندی علمی از نظر او بوده است.
- وی هدف نگارش کتاب را ارایه کلیدهایی برای ابواب معانی و کمکی برای مفسران و اطلاعی از حقایق و اسرار کتاب خدا می داند.
- از نظر زرکشی تا تاریخ نگارش کتابش، روش و متدولوژی خاصی برای برخورد و استنباط از کتاب الله وجود نداشته است (کسی راه اجتهاد و استنباط را نپیموده بوده است) و وی به عنوان یک اندیشمند روشی مشابه فهم حدیث نبوی را پیشنهاد می کند.

^۳ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن. ج ۱ ص ۳۰.

به هر ترتیب نامشخص بودن سابقه‌ی تاریخی کاربرد این اصطلاح، درک مفهوم و نحوه‌ی برداشت پیشینیان از آنرا برای ما مشکل می‌سازد.

۱-۱-۷. نظر معاصرین امامیه

صاحب التمهید به این علوم از زاویه‌ی دیگری نگریسته‌اند:

علوم قرآنی علمی است که در آن درباره مسایل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن بحث می‌شود... علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه‌ی تفسیری نمی‌پردازد... در علوم قرآنی مباحثی چون وحی و نزول قرآن، مدت و ترتیب نزول، اسباب نزول و... مطرح می‌شود و چون هر یک از این مسایل در چهارچوب خود استقلال دارد و علمی جدا شناخته می‌شود؛ از این رو این علم با صیغه‌ی جمع (علوم) به کار رفته است... هر یک از مسایل علوم قرآنی در جای خود، نقش مهمی در بهره‌گیری از محتوای قرآن ایفا می‌کند.^۴

در تعریف ایشان :

- محور شناخت قرآن، علاوه بر فهم قرآن مطرح شده ،
 - بر بیرونی بودن مباحث تأکید شده تا از تفسیر جدا شود ،
 - وظیفه‌ی این علوم نیز ایفای نقش در بهره‌گیری از محتوای (فهم؟) قرآن شمرده شده است .
- اینکه غایت علم القرآن و علوم قرآنی کمک به فهم قرآن است محل توافق فریقین است ، اما این که چه مبادی و چگونه باید بحث شود ، خود محل مناقشه است . هرچند که گروهی در همین خادم فهم بودن علوم قرآنی نیز مناقشه کرده‌اند؛ از جمله از معاصرین ، صاحب کتاب درسه حول القرآن الکریم در تعریف علوم قرآنی چنین می‌نویسد:

^۴ معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، ص ۳.

علوم القرآن ... طایفه من البحوث المتعلقة بالقرآن و لم اجد من حدده بدقه و
 الافضل ان يقال ان العلم الباحث حول احوال النص القرآني كتابه و قراءه و معني . وبذلك
 تخرج بحوث المواضيع القرآنيه من التوحيد مثلاً فانها ليست من احوال النص بل من معاني و
 مواضيع القرآن. و يشتمل هذا المصطلح بحوث رسم القرآن و القراءات و الناسخ و المنسوخ
 وكذلك البحث في التاويل و التفسير و اقسامهما حيث انما من احوال النص القرآني و يخرج
 علم التفسير حيث هو معني النص و ليس من احوال النص .^٥

آن گونه که مشخص است ، وی :

- عبارت کلیدی در این تعریف را احوال النص قرار داده است ،
- فهم را در تعریف علوم قرآنی دخیل ندانسته و بسطی در معنای تاریخ قرآن داده ،
- ایشان نیز در قرن حاضر (قرن پانزدهم) کسی را نیافته که توانسته باشد این مجموعه‌ی علم را تعریف کرده و حدود و ثغور آن را مشخص کند ،
- محل اشتراک این علوم را تعلق به قرآن مجید و بحث پیرامون احوال النص (متن ؟) قرآنی دانسته اند ،
- بحث پیرامون احوال متن را در نحوه‌ی نگارش ، قرائت و معنای (؟) آن دانسته اند،
- در تعریف، کتابت را بر قرائت و معنی مقدم کرده‌اند ، حال آنکه ترتیب ایجاد قرآن برعکس این بوده است،
- و در نهایت، علم تفسیر را معنای نص دانسته و با این تعریف این دو علم را از هم جدا کرده‌اند.
- تنها ابهامی که در تعریف ایشان باقی می ماند، آن است که تفاوت بین "احوال النص القرآنی معنأً" و "معنی النص" چیست ؟ ظاهراً مقصود ایشان از احوال النص، عوارض و حالاتی است که بر

^٥ جلالی ، محمدحسین ، درسه حول القرآن الکریم ، صفحه ١٤ .

آیات قرآنی عارض شده است مانند نسخ آیه که تا زمانی محکم بوده و زمانی دز معروض نسخ قرار گرفته است. ولی معنی النص جزو عوارض نیست و لذا تفسیر را از زمره‌ی علوم قرآنی ندانسته است.

متأسفانه اکثر نویسندگان کتب علوم قرآنی نخواستند و یا نتوانسته‌اند از این علم یا علوم تعریف جامع و مانعی ارائه کنند.

آقای کمالی دزفولی طی تعریفی چنین می‌نویسد :

مقصود از علوم قرآن (به لفظ جمع نه علم القرآن به لفظ مفرد) گروهی از معارف متصله به قرآن است که به نحوی از انحاء ، به طور خاص ، خادم فهم قرآن باشند ، مانند علم الرسم ، علم القرات ، علم اسباب النزول ، علم النسخ و المنسوخ ، علم اعراب القرآن ، علم المحکم و المتشابه و غیره. به طور خاص برای آن است که علمی مانند صرف و نحو را خارج و علم اعراب القرآن را داخل کند.^۶

سپس ایشان به بیان کاملتری پرداخته و می‌نویسد :

به عبارت دیگر علوم القرآن آن دسته از علومند که مستقیماً و بلا واسطه در فهم قرآن دخیلند مانند علم ناسخ و منسوخ ؛ و به آن دسته از علوم که در فهم قرآن و غیر قرآن دخیلند (مانند صرف و نحو) اصطلاحاً علوم القرآن نمی‌گویند.^۷

نکته دیگر مفهوم خاص این ترکیب اضافی و تطور آن در طول تاریخ جامعه‌ی اسلامی است که ایشان به بهترین وجه بدان اشاره کرده اند:

این مرکب اضافی ، یعنی علوم القرآن ، بعد از نقل اصطلاحی ، علم شخصی است برای فنی که شامل همه‌ی علوم خادم در فهم قرآن است. بنابراین مدلول تضایفی قبل از نقل

۶ کمالی دزفولی ، سیدعلی ، شناخت قرآن ، صفحه ۱۲ .

۷ همان .